

بسم الله الرحمن الرحيم

آثار روانشناختی حجاب در جامعه

محمدصادق فاضل، فاطمه حرم‌باف‌زاده، نسیمه محمدی، ساجده مالکی‌زاده، سیده لیلا موسوی معلم^۱

چکیده

حجاب یکی از مسائل مهم در حوزه الهیات اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانشناسی و... می‌باشد. یکی از موضوعات حساس در جنگ شناختی همین موضوع است که از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته. این مقاله با هدف تبیین گوشه‌هایی از مسئله حجاب با رویکرد روانشناسی، به بررسی آثار روانشناختی حجاب بر جامعه می‌پردازد و به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و به این نتیجه رسیده است حجاب این آثار روانی را در جامعه دارد: آرامش روانی زن و مرد، حفظ احترام زن، افزایش عزت نفس، کاهش اضطراب و مدیریت عواطف زنانه می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که حجاب نه تنها موجب منزوی بودن زن و عقب ماندگی جامعه نمی‌شود، بلکه ضامن حفظ سلامت روانی جامعه و پیشرفت آن می‌باشد.

کلید واژه: حجاب، احترام زن، سلامت روان، عزت نفس، هویت

^۱. موسسه آموزشی عالی حوزوی الزهراء (علیهاالسلام)، اهواز.

مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشنفکران، چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و چه خارج از کشور، بوده است. زیرا حفظ حجاب و عفاف به حذف بسیاری از گناهان کمک می‌کند و و همچنین در مسیر تهذیب و تزکیه نفس و ملکات نفسانی یاری‌گر انسان است و قرب الهی را نصیب انسان می‌کند. مسئله‌ی حجاب که یک دستور دینی است از مسائل مهم جامعه است و با بسیاری از مسائل پیوند خورده. این مسئله از آن جهت که خطابش با زنان است، به نیمی از جمعیت جامعه مربوط است و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد به همه افراد جامعه مربوط می‌شود. حجاب به عنوان پوشش بیرونی، عامل مهمی برای سلامت جامعه است و در صورت نبود آن موجب به وجود آمدن مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه خواهد شد. بنابر این رعایت و ترویج حجاب در جامعه اسلامی یکی از دغدغه‌های امروز جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت مسئله و خلأ علمی که در این مسئله است، این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی قصد آن دارد تا در جهت بررسی آثار روانشناختی حجاب بر جامعه همراه با بهره‌مندی از دیدی منصفانه و بهره‌گیری از منابع و سرچشمه‌های اصیل مکتب اسلام، به مسئله «حجاب» از بعد روانشناختی در جامعه اسلامی بنگرد تا از این رهگذر، به چشم‌اندازی درباره علل اجرای این حکم الهی استوار و مستحکم در جامعه امروزین اسلامی ایران دست یابد. برای این منظور، موارد ذیل را به عنوان آثار روانشناختی حجاب در جامعه مطرح می‌کند: آرامش و سلامت روانی زن و مرد، افزایش عزت نفس زن، کاهش اضطراب زن و جلوگیری از آزار، نگاه انسانی و هویت‌بخشی به زن، کاهش ترس از تولد فرزندان نامشروع و مدیریت عواطف و احساسات زنانه.

1- آرامش و سلامت روانی زن و مرد

از مهمترین آثار روانشناختی حجاب این است که وقتی زن و مرد در جامعه با پوشش اسلامی در اجتماع حاضر شوند، باعث مدیریت غریزه جنسی و کاهش نگاه‌های آلوده و مدیریت روابط سالم بین زن و مرد می‌شود. و این منجر به آرامش و سلامت روان زن و مرد می‌شود.

حجاب برای زن یک دژ و یک سنگر و حریم است، او را از خطرات و آسیب‌ها حفظ می‌کند. جایگاهی است که زن وجود و شخصیت خود را در آن سامان می‌بخشد. اصولاً پیکر زن عریان جلب‌کننده و بی‌حفاظ است و اگر در حصار پوشش قرار نگیرد در معرض آسیب‌ها قرار خواهد گرفت. حجاب برای او امنیت پدید می‌آورد، زیرا نفس آدمی دریایی از خواستن است، زمانی که به چیزی تمایل ندارد آرامش بر آن حاکم است، اما وقتی به چیزی رغبت کند، همانند دریا طوفانی می‌شود و تنها رسیدن به آن خواسته می‌تواند جزر و مد این دریای طوفانی را آرام کند (رحیمی، 1385، ص 56).

قرآن این اصل را چنین معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ (احزاب، 59) آیه به یکی از موارد آزار و اذیت اشاره می‌کند. زنان با ایمان نباید بهانه و مستمسکی به دست مفسده‌جویان دهند، لذا می‌فرماید ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو روسری‌های بلند خود را چنان بر خویش ببندازند تا از کسانی که حجاب درستی ندارند، شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند»

اسلام به قدرت شگرف این غریزه جنسی توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره‌ی خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می‌دهد وارد شده است. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده، و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه‌ی مشترک که برای زن و مرد مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است. خلاصه‌ی این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه

پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند. (مطهری، 1398، ص 80-79)

روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان طور که بشر اعمّ از مرد و زن در ناحیه‌ی ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه‌ی جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان، و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاق جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله‌ی جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می‌شود. (مطهری، همان، ص 80)

برهنگی زنان و آرایش و عشوه‌گری آنان، مردان مخصوصاً جوانان را در تحریکی دائم قرار می‌دهد؛ تحریکی که سبب کوفتگی اعصاب آن‌ها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی می‌شود و گاه سرچشمه‌ی امراض روانی است. (محمّدی نیا، 1389، ص 16)

از این رو، حجاب، برای زن و همچنین مرد، آرامش و سلامت روانی می‌آورد. برای مرد، به خاطر عدم تحریک غریزه جنسی، و برای زن، در امان ماندن از نگاه‌ها، مزاحمت‌ها و تجاوزهای مردان. بنابر این، انسان‌ها در جاهای گوناگون از جمله در خانه و حتی زمانیکه وارد اجتماع می‌شوند نیاز به آرامش دارند. لذا برای اینکه زن و مرد بتوانند در کنار هم، بدون هیچ اعصاب خوردگی و بدون آسیب به فعالیت اجتماعی بپردازند نیاز به رعایت حجاب و حریم بین خودشان هستند.

2- حفظ احترام و تکریم زن

مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر مغز و فکر نیز تفوق مرد لااقل قابل بحث است. زن در این دو وجهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه سرتربودن خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود. (مطهری، همان، ص 86)

در واقع عفت و حیا و حجاب زن تدبیری است که او با نوعی الهام، برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیتش در برابر مرد به کار می برد، زیرا زن با هوش فطری و حسّ مخصوص خود درک کرده که از نظر جسمی با مرد برابر نیست و اگر بخواهد با وی پنجه نرم کند از زور بازوی مرد بر نمی آید. از طرفی، زن ضعف مرد را در همان نیازی یافته که خداوند حکیم در وجود مردان نهاده است. زن خوب می داند که خداوند او را مظهر معشوقیت قرار داده است. بر همین اساس، زن با عفت و حجاب بهتر می تواند مرد را مجذوب خود کند و با متانت و وقار بر احترام خویش بیفزاید. اما هنگامی که جامعه، زن را با اندام عریان جستجو کند، طبیعی است که روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزونتری را از او دارد. وقتی زن از طریق جاذبه جنسی، وسیله تبلیغ کالا، تزئین اطاق انتظار و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند این ها قرار گیرد؛ در چنین جامعه ای، شخصیت زن تا سرحد عروسک یا یک کالای بی ارزش دیگر سقوط می کند و ارزش های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایی اش می گردد. و به این ترتیب، وسیله ای برای اشباع هوس های سرکش مشتی آلوده و نابکار می شود. در چنین جامعه ای زن چگونه می تواند با ویژگی های اخلاقی، علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و به مقام والایی برسد؟! (محمدی نیا، 1389، صص 25-27)

به ویژه در مدارس متوسطه، آن‌ها را به ازدواج‌های زودرس می‌کشاند. در این زمینه نشریه آمریکایی «ریدرز دایجست» در سپتامبر 1996 گزارشی را درباره دختران جوان که عموماً در مدارس مختلط درس خوانده و ناخواسته مادر شده‌اند و در کنار فرزندان خود زندگی دشواری را سپری می‌کنند، می‌نویسد: «هر ساله 350 هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین 15-19 سالگی در دوره دبیرستان فرزندان غیر قانونی خود را به دنیا می‌آورند که این آمار در دهه‌های اخیر در حال افزایش است. این دختران که با رؤیاهایی مانند ازدواج با دوستان پسر خود و اتمام تحصیلات و شروع یک زندگی ایده آل، به این گونه ارتباطات روی آورده‌اند بسیار زود، پرده‌های سراب گونه این اوهام از پیش رویشان کنار رفته و واقعیت زندگی چهره خود را می‌نمایاند».

و موارد بسیار دیگری که نشان می‌دهد بی‌حجابی و فرهنگ برهنگی زنان چه بلایی بر سر جامعه و خانواده‌ها وارد کرده است و خود دانشمندان غربی هم به آن معترفند.

گاهی بعضی از دختران و زنان برای اینکه اطرافیان متوجه رابطه او با مرد بیگانه نگردند، اقدام به سقط جنین می‌کنند که هم دارای عوارض جسمی و هم دارای و عوارض روحی و روانی برای آنان می‌گردد. لذا اگر حجاب در جامعه رعایت شود و حد و مرزی بین روابط زن و مرد در اجتماع باشد و نگاه‌های آنان مدیریت شود، عامل مهمی در عدم تولد فرزندان نامشروع و حتی کاهش سقط جنین می‌گردد.

بارداری ناخواسته و خارج از برنامه‌ریزی از بزرگترین رنج‌ها و آسیب‌هایی است که روابط لیبرال جنسی آن را برای زنان به ارمغان آورده است. بیشتر مادران مجرد بین 20 تا 29 سال سن دارند، ولی نوجوانان نیز از این آسیب در امان نمانده‌اند و قشر مادران نوجوان مجرد را تشکیل داده‌اند. اگر چه اقدامات سازمان‌های بهداشتی در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است، اما این معضل هنوز به عنوان بزرگ‌ترین معضل در روابط لیبرال جنسی، زنان را به کام خود می‌کشد. (برخورداری، 1392، ص 53)

«اگر بگوییم بچه‌دار شدن می‌تواند زندگی یک دختر نوجوان مجرد را زیر و رو کند، هنوز حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.» این جمله‌ای است که چارلز موری در مقاله‌ای در وال استریت ژورنال، نوشته است. وی در ادامه می‌افزاید: «معضل بچه‌های نامشروع را می‌توان به تنهایی، در صدر معضلات اجتماعی عصر ما قرار داد؛

یعنی بالاتر از جرم و جنایت، مواد مخدر، فقر، بی‌سوادی، عدم رفاه، بی‌خانمانی و ... در واقع این معضل می‌تواند خود منجر به سایر مشکلات اجتماعی شود.» (برخورداری، همان، ص 56)

این مطلب بیانگر این است که تولد فرزندان نامشروع آسیب‌های روانی فردی و اجتماعی بسیاری دارد. بنابراین باید به این نکته مهم توجه شود که اگر زن و مرد در جامعه با پوشش مناسب ظاهر گردند و انواع گوناگون عفاف از جمله عفت نگاه، عفت گفتار، عفت رفتار را رعایت کنند و در حد ضرورت به گونه‌ای سالم با هم در ارتباط باشند و نگاه جنسی به یکدیگر نداشته باشند و به دنبال جلوه‌گری و رفع نیازهای عاطفی و جنسی خود نباشند، نقش مهمی در کاهش معضلات اجتماعی، کاهش ترس ناشی از فرزندان نامشروع و کاهش خانواده‌های بی‌سرپرست دارد.

7- افزایش عزت نفس زن

با توجه به اینکه در زن به صورت فطری میل به خودنمایی و خودآرایی وجود دارد، اگر این میل از طریق صحیح ارضا نشود دچار نوعی کبود عاطفی می‌شود و برای رفع این کمبود سعی می‌کند با آرایش و جلوه‌گری و لباس‌های جذاب نگاه‌ها را به سمت خود بکشد. در جامعه علت بدحجابی و پوشش نامناسب تعداد زیادی از دختران و زنان، ارضا نشدن این میل فطری است. در حالیکه اگر زیبایی‌های زنان، توسط همسرانشان دیده و تعریف و تمجید شود و علاوه بر زیبایی‌های ظاهری آنان، سایر توانایی‌های آنان از جمله مهارت آشپزی، شیرینی‌پزی، همسرداری، فرزندپروری و حتی مهارت‌های علمی آنان دیده شود و به اندازه بازگو شود، همه این‌ها باعث افزایش عزت نفس در بانوان می‌گردد.

نیاز به توجه و احترام که در سلسله مراتب نیازهای اساسی «مازلو» قرار دارد از نیازهای مهم عاطفی انسان است. هر انسانی نیازمند آن است که در نظر دیگران فردی با لیاقت و شایسته باشد و در نتیجه مورد احترام و ستایش آنان قرار گیرد. ارضای نیاز به عزت نفس، به احساساتی از قبیل اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، لیاقت، کفایت و مفید بودن در جهان، منتهی می‌شود، اما بی‌اعتنایی به این نیازها موجب احساساتی

از قبل حقارت، ضعف و درماندگی می‌شود. این احساسات یا به دلسردی و یأس خواهد انجامید و یا اینکه گرایش‌های روان‌نژدانه یا جبرانی را به وجود خواهد آورد.

فردی که اعتماد به نفس و عزت نفس بالایی داشته باشد، در صحنه‌ها و رقابت‌های گوناگون زندگی اظهار وجود می‌کند و با قاطعیت تمام، توانایی‌هایش را به مرحله ظهور می‌رساند و نیازی به ظاهرسازی و چهره‌آرایی در خود نمی‌بیند. (بیات، 1395، ص 58-59)

بی شک افراط زن در خودآرایی و برهنگی، می‌تواند یکی از همین رفتارهای روان‌نژدانه به شمار می‌آید که جبرانی برای خلاء عاطفی و شخصیتی وی باشد. بنابراین می‌توان گفت معمولاً بی‌حجابی یا بدحجابی، در زنان و دخترانی دیده می‌شود که از درون تهی هستند و پایگاه شخصیتی محکمی ندارند. ولی کسانی که از ثبات فکری و در نتیجه از ثبات عاطفی برخوردارند، با وقارترند و پوشش مناسبتری دارند. حتی اگر به میزان پوشش دختران تیزهوش و خلاق آمریکایی در برابر دختران معمولی آنان نگاه کنیم تغییر محسوسی می‌بینیم. پس می‌توان گفت بی‌حجابی و برهنگی، از ضعف شخصیت، خودکم بینی و عدم ارضای صحیح میل به خودنمایی و نیاز به احترام و عزت نفس حکایت دارد، در حالی که حجاب و پوشیدگی اگر همراه با نگرش و باور دینی باشد، این خلاء را جبران می‌کند.

مطلب دیگر اینکه گرچه یکی از عوامل بی بندوباری و افراط زنان در خودنمایی و تبرج، احساس خلاء و کمبود عاطفی است که در آنان به وجود آمده، ولی در اینجا می‌توان گفت عکس مطلب هم صحیح است؛ یعنی افراط در بدحجابی و نمایش زیبایی‌های جسمانی نیز می‌تواند عامل احساس حقارت، درماندگی و کمبود عاطفی در زن شود و آن را تشدید کند؛ زیرا آسیب‌های اجتماعی که از این راه متوجه زن می‌گردد، باعث می‌شود آنان دارای شخصیتی متزلزل و وابسته شوند؛ شخصیتی که به خواسته‌های مردان هرزه وابسته است.

مردانی که محبت و علاقه‌شان حقیقی نیست و فقط به دنبال ارضای غرایز حیوانی خود هستند و به چیزی جز بهره‌کشی جنسی نمی‌اندیشند و حاضرند برای ارضای این غرایز، تمام شرف و شخصیت زن را قربانی کنند. آیا خفتی از این بالاتر برای زن وجود دارد که تمام ارزش و سرمایه خود را به طور رایگان در

اختیار مردان حیوان‌صفتی قرار دهد که یا برای ارضای غرایز شهوانی خود اظهار دوستی می‌کنند یا برای رسیدن به پول و ثروت از زیبایی زنان بهره می‌برند. (رجبی، 1389، شماره 218).

لذا اگر بانویی دارای عزت نفس باشد و به ارزشمندبودن گوهر وجودی خودش واقف باشد و بداند که زیبایی‌های او امانت الهی هستند و باید قدر آنان را بداند و از آنها به نحو صحیح و در مسیر رضایت الهی استفاده کند، وجود با ارزش خودش را با حجاب می‌پوشاند و در جامعه باوقار و سنگین حاضر می‌گردد و اجازه نمی‌دهد که نامحرمان با نگاه‌های آلوده‌شان، ارزش انسانی او را پایین آورند. بلکه با حاضر شدن در اجتماع، آن هم با پوشش مناسب، به دیگران این پیام را می‌رساند که او بانویی با عزت نفس بالا می‌باشد و محتاج نگاه‌های دیگران نیست. بلکه برای او مهم است که نگاه مهربانه و رضایتمندانه خدا را حس کند.

نتیجه گیری

براساس پژوهش انجام شده اینگونه می‌توان نتیجه گرفت: حجاب، بر خلاف آنچه برخی رسانه‌ها و جریانات در حال القای آن هستند، نه تنها موجب منزوی بودن و سرخوردگی زن و عقب ماندگی و پسرفت و انحطاط جامعه نمی‌شود، بلکه ضامن حفظ تمام فاکتورهای مورد نیاز برای سلامت زن و مرد، و پیشرفت و تعالی آن می‌باشد. علاوه بر این‌ها حجاب در زنان باعث آرامش و سلامت روانی زن و مرد، حفظ احترام و تکریم زن، افزایش عزت نفس زن، کاهش اضطراب زن و جلوگیری از آزار و اذیت او، نگاه انسانی و هویت‌بخشیدن به زن، کاهش ترس از تولد فرزندان نامشروع و همچنین، مدیریت عواطف و احساسات زنانه می‌گردد. در نهایت زن و مرد با آرامش در جامعه به فعالیت می‌پردازند و فساد و اضطراب و نا امنی از جامعه رخت برمی‌بندد.

فهرست منابع

• قرآن

1. برخورداری، زینب، عفاف گرایی در غرب، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف، 1392.
2. بیات، سعید، دختران مهتاب، پسران آفتاب، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، 1395.

3. پور سیف، عباس، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان، نمونه)، تهران، 1382.
4. حداد عادل، غلامعلی، برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، 1359.
5. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل بیت، چاپ دوم، 1414 ق.
6. داوری دولت آبادی، عماد، ترگل، بیست دلیل عقلی و روانشناسی برای حجاب، چاپ هفدهم، قم، اعتلای وطن، 1398.
7. رجبی، عباس، «حجاب و نقش آن در سلامت روان»، مجله پیام زن، شماره 218، 1389.
8. رحیمی، عباس، فرشتگان زمین (کاوشی در چیستی و چرایی پوشش زنان)، قم، نشر جمال، 1385.
9. شجاعی، محمد، درّ و صدف، بی جا، نشر محیی، چاپ ششم، 1386.
10. غیرتمند، سعید؛ مختاری، نادر؛ عسکری، محمدعلی؛ «آثار فردی و اجتماعی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره 103، 1393.
11. فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم، 1373.
12. محمدی‌نیا، اسدالله، فلسفه حجاب؛ آثار و فواید حجاب از دیدگاه علوم اجتماعی، روانشناسی، و دانشمندان جهان، قم، سبط اکبر (علیه السلام)، چاپ ششم، 1389.
13. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ صدوبیست و پنجم، تهران، صدرا، 1398.
14. معین الاسلام، مریم؛ طیبی، ناهید، روان شناسی زن در نهج البلاغه، چاپ ششم، قم، بهشت بینش، 1390.
15. طیب، مهدی، حجاب و حقوق زن در ترازوی اندیشه و ایمان، تهران، نشر سفینه، ۱۳۸۸.
16. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۲۷ ه.ق.